

ارزیابی ارتباط دیپلماتیک تهران و آنکارا در آستانه سفر اردوغان به ایران در گفت‌وگو با سفیر پیشین ایران در ترکیه

با آنکارا منطبق بر منطق و قدرت مواجه شویم



۱۰ میلیارددلاری در زمان آقای خاتمی بین ایران و ترکیه طی این سال‌ها بیشتر می‌شد، نه اینکه چندمیلیارد دلار سقوط کند. ما امروز باید شاهد روابط ۴۰ میلیارددلاری بین دو کشور ایران و ترکیه می‌بودیم. واقعاً این عدد در دسترس بود اگر طی این ۱۷ سال در مسیر توسعه و ارتقای روابط با ترکیه گام‌های جدی برمی‌داشتیم.

◆ **پس برگزاری هفتمین نشست شورای عالی همکاری ایران و ترکیه با تنظیم روابط در سطح راهبردی و تعریف سند همکاری‌های بلندمدت استراتژیک می‌تواند به بهبود روابط دوجانبه تهران - آنکارا در سفر اردوغان به ایران کمک کند؟**

به باور من مشکل عمیق‌تر از آن است که بتوان با یک یا دو سفر یا تنظیم قراردادها، روابط را در یک سطح مناسب قرار داد. همان‌گونه که گفتم و تکرار می‌کنم حفظ، تداوم و ارتقای روابط دوجانبه، به‌خصوص با مهم‌ترین همسایه ایران یعنی ترکیه نیازمند برنامه‌ریزی، هوشمندی، تحرک بالای دیپلماتیک و درنظرگرفتن حساسیت‌های طرف مقابل است. ما در این ۱۷ سال به‌طور مفرط دچار ضعف دیپلماتیک و کم‌کاری بوده‌ایم. پس نمی‌توان با چند سفر و چند قرارداد این ضعف ۱۷ساله را پوشاند. ما باید به شکل جدی، هم برای کوتاه‌مدت هم میان‌مدت و هم بلندمدت یک برنامه‌ریزی دقیق، واقع‌بینانه و جدی را در جهت بهبود روابط با ترکیه در دستور کار قرار دهیم. این یک بی‌توجهی دیپلماتیک است که ۱۷ سال سیاست منطقه‌ای و ارتقای روابط با همسایگان دچار ضعف و کم‌کاری مفرط شود تا جایی که ما در یک قهر دیپلماتیک منطقه‌ای به سر می‌بریم. در همین راستا جا دارد این نکته را هم گوشزد کنم که ایجاد تعارض بین میدان و دیپلماسی نشان از عدم بلوغ در سیاست داخلی و خارجی دارد. چون زمانی که ما از نظر دفاعی، نظامی و میدانی بر یک جغرافیا برتری و نفوذ داریم، باید از آن نهایت استفاده را ببریم و یک جولان جدی در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی داشته باشیم. این در حالی است که متأسفانه ما دیپلماسی و میدان را در تعارض و تقابل با همدیگر می‌بینیم. این نشان می‌دهد که ما هم دچار یک خطای محاسباتی و عدم درک درست از واقعیت‌های جاری سیاست خارجی و تحولات منطقه‌ای هستیم.

◆ **بازهم در تقابل با آنچه گفتید این واقعیت غریب‌انکار وجود دارد که تلاش و همکاری مشترک تهران با آنکارا در مقاطع و برهه‌های مختلف هم راه به جایی نبرده است؛ برای مثال اگر به یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سفر اردوغان به ایران یعنی شرکت در هفتمین نشست سران آستانه نگاه کنیم، باید گفت که محور آستانه مؤیدی بر آن است که تحلیل شما به شکل جدی جای تامل و تردید دارد، به دلیل آنکه ترکیه و ایران در همکاری‌های نیم‌بندی مانند همین محور آستانه هم نتوانستند به یک درک مشترک از تحولات سوریه برسند، کماینکه مشابه این عدم درک مشترک درخصوص تحولات قفقاز جنوبی و قره‌باغ، عراق و دیگر مسائل جاری دوجانبه هم وجود دارد. از آن مهم‌تر ترکیه به دلیل وضعیت بفرنج اقتضاسی و توجرد ۸۰ درصدی و نیز آماده‌شدن اردوغان برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده اساساً وقعی به تلاش‌ها و نظرات ایران برای رسیدن به یک درک متقابل و همکاری مشترک با تهران در قبال تحولات سوریه نمی‌نهد، همچنان که حتی بعد از سفر امیرعبدللهیان به ترکیه و تلاش وزیر امور خارجه دولت رئیسی برای انتقال نگرانی اردوغان به بشپاراسد کمکان ارتش**

عدم مبادله مثبت و مناسب دیدگاه‌های دو کشور در قبال مسائل و به‌خصوص اختلافات جاری، به نحوی پیش رفته که ترکیه دچار نوعی سوءمحاسبه و تردید در قبال سیاست‌های منطقه‌ای ایران و حتی شک درباره حسن ظن تهران به حفظ و ارتقای روابط دوجانبه با آنکارا شده است؛ تا جایی که اردوغان به این باور رسیده است که مبادا ایران در پشت پرده به دنبال طرح‌ریزی و اجرای سیاست‌هایی ضد امنیت ترکیه باشد. درصورتی‌که باید ارتقای روابط با مهم‌ترین همسایه ایران یعنی ترکیه جزء اولویت‌های سیاست خارجی منطقه‌ای باشد؛ بنابراین فارغ از دستور کار اردوغان از حضور در ایران برای بررسی و پیگیری مسائل حساس دوجانبه و منطقه‌ای، نفس این سفر در شرایط کنونی بیانگر این تمایل از جانب آنکارا برای ارتقای روابط با تهران در سطوح مختلف است.

◆ **قدری صریح‌تر تحلیل شما را زیر سؤال ببرم. آیا حضرت‌عالی منکر سیاست‌های مغرب ترکیه در قبال ایران و به‌خصوص در سال‌های اخیر هستید، اگرچه پیرو آسیب‌شناسی درستان من هم اعتقاد دارم که در ۱۷ سال گذشته و در حیات دولت‌های نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و حدود یک سالی که از عمر سیزدهم می‌گذرد، آن‌گونه که باید ارتقای روابط با ترکیه چندان جدی گرفته نشد اما ترکیه هم در سردی روابط کنونی بی‌تقصیر نیست؟**

اولا گفته‌های پیشین من به‌معنای دفاع از سیاست‌های آنکارا نیست بلکه سعی کردم به‌عنوان کسی که در جایگاه سفیر ایران در ترکیه خدمت کرده‌ام و از نزدیک به سیاست‌های آنکارا واقفم این نکته مهم را گوشزد کنم که بخشی از شرایط کنونی در روابط تهران - آنکارا متأثر از کم‌کاری و ضعف دیپلماسی منطقه‌ای ایران و ارتقای روابط با مهم‌ترین همسایه یعنی ترکیه بوده است. اما در عین حال من باید این نکته مهم را هم خاطر‌نشان کنم که ترکیه هم شناخت بسیار کمی از تحولات سیاسی، چه در منطقه و چه در سطح بین‌الملل دارد.

◆ **چطور؟**

پیرو سؤال اولتان یکی از دستاوردهای مهم اردوغان برای سفر به ایران حضور در نشست سران محور آستانه برای رسیدگی به تحولات و اختلافات در سوریه است، خب اگر همین ترکیه و شخص اردوغان شناخت کافی از تحولات منطقه داشت، آیا از همان ابتدا به سوریه حمله می‌کرد؟ آیا وزیر امور خارجه ترکیه عنوان می‌کرد که تنها دو هفته تا سقوط حکومت بشار اسد فاصله است؟ در نگاه عمیق‌تر اگر ترکیه سیاست‌های اروپا و به‌خصوص آمریکا را می‌شناخت، هیچ‌گاه روی همکاری با واشنگتن در قبال تحولات منطقه‌ای حساب باز نمی‌کرد؛ آمریکایی که رئیس‌جمهور اسبیشش یعنی باراک اوباما بیان کرد که ایالات متحده حتی در حد یک ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه نمی‌تواند به ترکیه کمک کند؟ اگر ترکیه تحولات منطقه‌ای و واقعیت‌های جاری را به‌خوبی درک می‌کرد، هیچ‌گاه نمی‌گفت که بهار عربی که در مصر، تونس، لیبی، یمن و بحرین به دلیل کوبورداری از سیاست‌های ترکیه است و این کشور (ترکیه) و شخص اردوغان برده جهان اسلام هستند؛ بنابراین در چنین شرایطی که ترکیه نگاه و ارزیابی غلطی از تحولات منطقه و جهانی دارد، ایران باید به درک بهتر آنکارا کمک کند؛ چراکه نتیجه مستقیم و فوری آن بر بهبود روابط دو کشور خواهد بود. به‌خصوص آنکه ژئوپلیتیک و جغرافیای دو کشور مکمل همدیگر است، ما باید به سمتی می‌رفتیم که مناسبات

◆ **بعدهازظهر دیروز رجب طیب اردوغان وارد ایران شُدد. آن‌گونه که مطرح است، رئیس‌جمهور ترکیه با دو هدف عمده حضور در هفتمین نشست سران آستانه بعد از دو سال وقفه و همچنین شرکت در هفتمین نشست شورای عالی همکاری ایران و ترکیه با به تهران می‌گذارد. اما با توجه به روابط نه‌چندان گرم ترک‌ها، به‌خصوص در حوزه دیپلماتیک و سطح پایین مناسبات تجاری و نیز با در نظر گرفتن اختلافات عمده در سوریه، سفر اردوغان تا چه اندازه برای هر دو طرف مثمرتر خواهد بود؟**

برای پاسخ دقیق به سؤال شما باید نگاهی عمیق‌تر به سیاست خارجی ترکیه در سال‌های اخیر داشت. در این رابطه، آنکارا دو گرایش متفاوت و حتی متضاد را به‌طور هم‌زمان در سیاست خارجی خود پی گرفته است: در یک طرف نزدیکی با روسیه و همکاری گسترده با مسکو در ابعاد مختلف با حوزه سیاسی و دیپلماتیک گرفته تا حوزه تجاری، اقتصادی و حتی نظامی و دفاعی و اما در سوی دیگر، اردوغان در یک چرخش آشکار و به موازات حفظ روابط با روس‌ها، سعی کرد با حضور در طرح مشترک واشنگتن - تل‌آویو که با همکاری اعراب درحال انجام است، وارد نوعی از همکاری جدی با جریان غرب‌گرا در تعیین معادلات منطقه خاورمیانه شود. در کنار آن باید خاطر‌نشان کرد که ترکیه در جنگ اوکراین نیز علی‌رغم مناسباتی که با روسیه برقرار کرده بود، چندان در جبهه مسکو قرار نگرفت و تلاش داشت ضمن فروش تجهیزات و سلاح به اوکراین و حمایت از کی‌یف، نقش یک میانجیگر و واسط را برای برقراری صلح و پایان جنگ ایفا کند. حال با درنظرگرفتن چنین سیاست خارجی‌ای باید به این مسئله اشاره کرد که هم آنکارا و هم تهران به اهمیت و ارزش ذاتی حفظ، تداوم و بهبود روابط دوجانبه و منطقه‌ای واقف‌اند. بنابراین نه ترکیه به سمت اتخاذ سیاست‌هایی پیش می‌رود که بخواهد روابط با جمهوری اسلامی را متزلزل کند و نه ایران چنین تمایلی دارد که روابط با آنکارا دچار خدشه شود.

◆ **اجازه دهید گفته‌های شما را به چالش بکشم، چون به نظر می‌رسد روابط نه‌چندان گرم و حسنه کنونی بیش از آنکه متأثر از سیاست‌های ایران باشد، نتیجه مستقیم تصمیمات و مواضع شخص اردوغان، چه در روابط دوجانبه با تهران و چه در تحولات منطقه‌ای است. با این اوصاف اگرچه ایران تمایلی به متزلزل‌کردن روابط با ترکیه ندارد اما درخصوص ترک‌ها باید قدری متفاوت نگریست؛ غیر از این است؟**

اتفاق به باور من آنچه باعث می‌شود گاهی شاهد اقدامات معنادار ترکیه، چه در سطح تحولات منطقه‌ای و چه حتی روابط دوجانبه با ایران باشیم، ناشی از دورشدن جمهوری اسلامی یا بهتر بگویم بی‌توجهی ایران به ترکیه است.

◆ **یعنی همه تقصیرها گردن ایران است؟**

ببینید آنکارا همواره نیازمند توجه تهران به حساسیت‌های خود است. در عین حال ترکیه به‌شدت تمایل دارد مناسبات و سطح روابط با ایران بیش‌ازپیش ارتقا پیدا کند اما لازمه آن پاسخ مثبت و دلگرم‌کننده از طرف جمهوری اسلامی است. متأسفانه ما، هم در دولت‌های آقای احمدی‌نژاد و هم در دولت‌های آقای روحانی و همچنین در یک سالی که از عمر دولت رئیسی می‌گذرد، توجهی به مهم‌ترین همسایه خود یعنی ترکیه نداشتیم. حجم بسیار محدود رفت‌وآمدهای دیپلماتیک مقامات کشور در این ۱۷ سال و



روابط، خود به خود اختلافات کنار گذاشته می‌شود. اگر پیرو آسیب‌شناسی که در پاسخ به سؤالات قبلی داشتیم، روابط اقتصادی و تجاری بین ایران و ترکیه امروز به رقم ۴۰ میلیارد دلار می‌رسید، دیگر اردوغان به خود این اجازه را نمی‌داد که نگرانی‌ها و منافع ایران در سوریه را نادیده بگیرد؛ بلکه اتفاقاً سعی می‌کرد حساسیت‌های تهران را هم در سیاست خارجی خود در قبال سوریه در نظر بگیرد. نه اینکه ما انتظار داشته باشیم

در یک روابط نه‌چندان گسترده سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و تجاری و همچنین با وجود اختلافات در دیگر مسائل از قفقاز و قره‌باغ تا عراق و... از ترکیه و اردوغان این انتظار را داشته باشیم تا براساس منافع ایران عمل کرده و به سوریه یا حلب حمله نکند. قطعاً چنین سیاستی نادرست است و محور آستانه نیز توان برآورده‌کردن انتظارات و خواسته‌های ایران را ندارد؛ چراکه سیاست صلح‌بانی پتانسیل این مهم را ندارد. اگر سیاست صلح‌بانی این ظرفیت را داشت، ترکیه در ادوار و مقاطع گذشته درست ضد منافع ایران عمل نمی‌کرد. پس اگر ما می‌خواهیم منافع‌مان برای ترکیه یا هر کشور دیگری مهم باشد، باید سطح روابط در ابعاد مختلف را به قدری گسترده کنیم که خواسته‌ها، انتظارات ایران به حساسیت‌های آن کشور بدل شود. نکته من این نیست که سیاست خارجی ترکیه در قبال ایران یک سیاست خارجی دوستانه و مبتنی بر منافع مشترک است؛ بلکه عرض من و نکته کلیدی و محوری که بر آن تأکید دارم، این است که ایران باید سیاست خارجی خود را از یک سیاست خارجی صلح‌بانی و روند خنثی خارج کرده و یک دیپلماسی مبتنی بر قدرت و منطق را به‌خصوص در حوزه روابط با همسایگان بی بگیرد. تحلیل درست، منطق درست و قدرت محکم می‌تواند ما را در این مسیر به شکل جدی کمک کند. این سه محور تأمین‌کننده و تسهیل‌کننده نفوذ ما در منطقه و همچنین تعمیق‌دهنده روابط ایران با همسایگان برای داشتن روابط متقابل، همسو، هم‌پایه و مبتنی بر منافع و منابع مشترک است. من سابق بر این، چه زمانی که به‌عنوان مدیرعامل بازرگانی خارجی فعالیت داشتم، چه موقعی که در مقام سفیر جمهوری اسلامی ایران در ترکیه خدمت می‌کردم یا زمانی که در دیگر سمت‌های وزارت امور خارجه حضور داشتم، این نگاه را به‌شدت پیگیری می‌کردم. ایران باید در مسیری گام بردارد که تسهیلگر روابط و ارتقادهنده مناسبات کشورهای پیرامونی به‌خصوص کشورهای کلیدی مانند ترکیه باشد. ما باید به این اصل استراتژیک بازگردیم که روابط اقتصادی و تجاری را اولویت سیاست خارجی خود قرار دهیم، این سیاستی است که تماماً سود، فایده و درآمد است، نه مانند صلح‌بانی که فقط به هزینه مضاعف می‌انجامد. اینکه ما در حوزه سیاست خارجی فکر کنیم همه خوب‌اند که سیاست خارجی نیست. این نگاه با مؤلفه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تطابق ندارد و حتی متضاد آن است؛ ما در این ۱۷ سال فرصت‌های مغفتم و بزرگی را در تعمیق روابط با ترکیه از دست دادیم. به هر حال از زمان آقای احمدی‌نژاد متمرکز ما روی مسئله مبارزه با آمریکا قرار گرفت و بعد از آن در دولت روحانی مسئله برجام مطرح بود. در یک سالی هم که‌ز از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد، محتوای درخورتوجهی در حوزه سیاست خارجی به‌ویژه ارتقای روابط با ترکیه را مشاهده نکرده‌ایم.

ترکیه خود را آماده حمله به شمال سوریه و اشغال حلب می‌کند. آیا این مسائل تحلیل شما را زیر سؤال نمی‌برد؟

ابتدا به ساکن من در همین مصاحبه با روزنامه «شرق» باید عنوان کنم این سیاست «صلح‌بانی» و دیپلماسی نزدیک‌کردن کشورهای معارض منطقه‌ای و جهانی با همدیگر از سوی جمهوری اسلامی ایران یک سیاست خارجی ناصحیح و یک میراث کم‌ارزش دیپلماتیک برای تهران است.

◆ **چرا؟**

چون سیاست خارجی از طریق نگاه صلح‌بانی نمی‌تواند اهداف خود را بگیرد، تأمین و اجرا کند.

◆ **به چه دلیل چنین اعتقادی دارید؟**

واقعیت امر آن است که سیاست خارجی در ذات خود تناقض، اختلاف، تنش و کشمکش دارد. این تناقض البته به‌معنای ضدیت و جنگ نیست؛ بلکه به معنای آن است که وقتی ما در حوزه سیاست خارجی لایه‌های متعدد و عمیق‌تر همکاری‌های دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و جهانی را مورد کنکاش قرار می‌دهیم، حتماً در بخش‌ها، لایه‌ها و سطوحی دچار تناقض و تضاد منافع هستیم؛ کماینکه در محور آستانه اختلافات و تناقضات و حتی تضاد منافع بین ایران، روسیه و ترکیه درخصوص تحولات سوریه وجود دارد. از این نظر سیاست صلح‌بانی ایران درخصوص محور آستانه و نزدیک‌کردن سیاست منطقه‌ای و چندجانبه‌ای با روسیه و ترکیه در سوریه یک میراث غلط دیپلماتیک است. البته ما باید کوشش کنیم که به آنکارا و مسکو نزدیک شویم؛ اما این مهم نباید به این معنا و مفهوم باشد که سیاست صلح‌بانی دستور کار اصلی و اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات منطقه با محوریت سوریه قرار بگیرد. هیچ دلیل، منطقی و توجیهی ندارد که ایران بخواهد در محور آستانه به دنبال صلح باشد. وقتی طرف مقابل شما یعنی ترکیه آمادگی و تمایل پذیرش نگاه صلح‌خواهانه و تلاش برای ترسیم منابع و منافع مشترک درخصوص ایجاد ثبات و آرامش در سوریه را ندارد، باید از طریق دیگری غیر از سیاست صلح‌بانی و محور آستانه منافع خود را تأمین کرد.

◆ **این جمله‌تان در تقابل با گفته‌های قبلی شما قرار ندارد که**

چندین و چند بار تأکید داشتید باید مراقب روابط با ترکیه بود؟

خیر، چون سیاست صلح‌بانی یک سیاست منفعل و بی‌خاصیت است که تنها به صرف و اتلاف انرژی، تمرکز و وقت منجر می‌شود، بدون آنکه خروجی و دستاورد ملموسی برای ایران در بی داشته باشد؛ کماینکه شش دور پیشین نشست محور آستانه در سطح سران هم نتوانسته است به اختلافات بین ایران، روسیه و ترکیه در قبال سوریه پایان دهد و اتفاقاً امروز دامنه اختلافات و تعارض منافع بین این سه بازیگر بیش از گذشته است. این نشان می‌دهد که سیاست صلح‌بانی یک سیاست خارجی بدون دستاورد است و ما باید از طریق دیگری شرایط را برای تأمین منافع فراهم کنیم. اگر ما در این ۱۷ سال روابط خود را در ابعاد مختلف با ترکیه گسترش می‌دادیم، شرایط به جایی نمی‌رسید که ما در صورت روابط نه‌چندان گرم و اختلافات متعدد در پرونده سوریه و دیگر مسائل بخواهیم به دنبال سیاست صلح‌بانی با آنکارا باشیم.

◆ **یعنی به باور شما ما مسئله را از آخر به اول می‌بینیم؟**

دقیقا، ما مسئله را از آخر به اول می‌بینیم. این اشتباه است. ما ابتدا باید روابط‌مان را با ترک‌ها ارتقا دهیم و بعد از ارتقای

شده بود. اگر از عابران این خیابان باشید می‌دانید که در روزهای معمولی هم به دلیل حجم بالای دستفروش‌ها حدفاصل میدان ولیعصر تا میدان فاطمی جمعیت زیادی در پیاده‌روها تردد می‌کنند. اما در این روز دیگر خبری از دستفروش‌های معمول این خیابان نبود. غرفه‌های گوناگون که اغلب به گروه‌های جهادی و بسیجی اختصاص داشتند در گوشه پیاده‌روها مستقر بودند و خیابان و پیاده‌رو پر از جمعیت بود. با وجود نگرانی از گسترش دوباره کرونا، اغلب افرادی که در این برنامه شرکت کرده بودند، ماسک به صورت داشتند. برگزارکنندگان این مراسم پیش از این وعده داده بودند که ۳۵۰ موبک در این روز در فاصله‌های ۱۰ کیلومتری در خیابان ولیعصر به مردم خدمت‌رسانی می‌کنند اما در روز مراسم از عدد ۶۰۰ موبک رونمایی کردند. اغلب این موبک‌ها هم بسیار شلوغ و محبوب عابران بودند. از جای و شربت تا اغذیه‌های خوشمزه و خورنی. اما این همه داستان نبود. گروه‌های جهادی زیادی در طول مسیر غرفه‌هایی برپا کرده بودند و از مشاوره تا ارائه توصیه‌هایی در زمینه طب سنتی حاضران در خیابان را به خود می‌خواندند. یکی از محبوب‌ترین غرفه‌های این مسیر غرفه‌های خدمت‌رسانی به کودکان بودند. موبک مکتب‌الزهر(س) یکی از این غرفه‌های شلوغ بود که با ایجاد فرصت‌هایی برای بازی و سرگرمی کودکان موجب ازدحام زیاد جمعیت حدفاصل خیابان طالقانی و دمشق‌روبه‌روی

مسجد جمهوری اسلامی شده بود. یک گروه جهادی هم ایستگاه اتوبوس طالقانی در خیابان ولیعصر را به یک کبابی خیابانی تبدیل کرده بودند. چهار منقل سنتی بزرگ در جایگاه این ایستگاه با چند کباب‌پز ماهر چند ساعتی مشغول طبخ کباب و ارائه آن به حاضران در این جشن بود. اما تنها غرفه‌های مربوط به ارائه غذا نبودند که مورد توجه مردم قرار گرفته بودند. یکی از غرفه‌های پرطرفدار دیگر غرفه‌ای بود که به اجرای ورزش باستانی توسط ورزشکاران جانناز نخاعی تهران باشگاه بقیاله (عج) می‌پرداخت. اجرای مرشد این غرفه در کنار حرکات نمایشی ورزشکاران مورد توجه گروه‌های زیادی قرار گرفته بود. یکی از ویژگی‌های مهم این جشن خیابانی حضور خانوادگی مردم بود. چیزی که به‌وفور به چشم می‌خورد و گروه‌های زیادی به صورت خانوادگی مشغول گشت و گذار در خیابان ولیعصر بودند. بیشتر خانواده‌ها ماشین‌های خود را در خیابان‌های اطراف ولیعصر پارک کرده بودند و اگر گذرناز به خیابان طالقانی، بلوار کشاورز، خیابان کریم‌خان، خیابان زرتشت، خیابان فاطمی، خیابان مطهری، خیابان بهشتی، خیابان وزرا و... می‌افتاد می‌دیدید که خودروهای زیادی با همکاری پلیس در این خیابان‌ها پارک شده‌اند. این جشن تا ساعات پایانی روز در خیابان ولیعصر ادامه داشت و گروه‌های زیادی در آن مشارکت کردند؛ از مداحان مشهور تا مساجد مختلف شهر تهران.

برگ سبز سواری سمندال ایکس مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید - روغنی به شماره پلاک ۶۵ س۸۹ ایران ۴۵ شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۳۶۹۰۵ و شماره شاسی NAAC91CC7AF83264۱ به نام آقای حامد حاج محمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	برگ سبز سواری سایبا SE13۱ مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید به شماره پلاک ۵۸ ص ۸۴۲ ایران ۸۴ شماره موتور M13/5754۱52 و شماره شاسی NAS4۱۱۱00G۱285۱96 به نام خانم انسیه رستمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	شناسنامه مالکیت خودروپژو ۲۰۷ به شماره پلاک ۹۱ ن ۵۶۵ ایران ۴۰ و شماره شاسی ۵۰۸۵۵۳ و شماره موتور ۰۴۳۰۲۹ بنام حمید رضا طاهریان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	برگ سبز و سند کارخانه سواری سمند LXXU7 مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید - روغنی به شماره پلاک ۵۱ س ۸۲۲ ایران ۸۴ شماره موتور 124K03۱0660 و شماره شاسی NAAC9۱CC0DF937055 به نام خانم سیده بتول قوشی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
کارت تردد اینجناب سید حامد صدر بناب به شماره ملی ۰۰۸۰۹۲۴۶۳۸ مربوط به اداره کل فرودگاه‌های مهرآباد و فرودگاه امام خمینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.	برگ سبز، کارت ماشین ، سند کمپانی و تسلسل اسناد خودرودووسی یلورنگ سبزلطلسی مدل ۱۳۷۸ به شماره پلاک ایران ۱۱- ۵۴۵ ج ۸۵، و شماره موتور ۷۶۵۳۶۲ و شماره شاسی ۷۸۱۶۵۰۹۱۴۵ به نام موسی مستعلی مجد آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.		